



Economic Forecasting in Light of Divine Traditions: From Challenge to Possibility

Ghasem Tarkhan: Professor, Department of Theology, Research Institute for Islamic Culture and Thought, Tehran, Iran.

tarkhan@iict.ac.ir

Ali-Asghar Hadavineia: Associate Professor, Department of Economics, Research Institute for Culture and Islamic Thought, Tehran, Iran. (Corresponding Author).

alihadavinia@gmail.com

Ali Asghar Ghaemini: Lecturer, Faculty of Economics, University of Tehran, Tehran, Iran.

aaghaemini@gmail.com

Abstract

One of the most significant challenges of conventional economics, which hinders accurate forecasting of economic phenomena, is the neglect of spiritual and non-material factors that operate through *divine traditions*. However, can Islamic economics — in which divine traditions are taken into account — achieve such a goal? And does the consideration of divine traditions enhance the predictive power of economics, or does it add further complications to the process?

By employing a descriptive-analytical method, the authors have reached the following conclusions:

- a) In conventional economics, a duality exists between the *acceptance of the principle of prediction* and *realism*; thus, some scholars, adhering to realism, do not regard prediction as an essential goal of the discipline.
- b) In Islamic economics, although forecasting is not the main focus, it is accepted as a complementary aspect alongside the longitudinal explanation of reality.
- c) The challenges faced by those who view forecasting as a scientific objective ultimately prove its difficulty, not its impossibility. In Islamic economics, this difficulty is intensified — but not nullified — by the presence of divine knowledge (*'ilm al-ghayb*) and considerations of divine wisdom and expediency (*maṣlaḥah*).
- d) Case studies in economics and the analysis of divine traditions such as *barakāt* (blessings) and *itrāf* (luxury and indulgence), which reflect logical relationships between condition and consequence, do not contradict the findings of this research.
- e) Moreover, the operation of the *divine tradition of trial and testing* (*sunnat al-ibtalā'*) does not pose a serious obstacle to economic forecasting. Hence, spiritual factors can serve as early-warning indicators for predicting economic crises and should be considered in economic analysis and policymaking.

Keywords

Forecasting; Islamic Economics; Modern Economics; Divine Traditions

پیش‌بینی اقتصادی در مواجهه با سنت‌های الهی، از دشواری تا امکان

قاسم ترخان: استاد گروه کلام، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران. tarkhan@iict.ac.ir
علی اصغر هادوی‌نیا: دانشیار گروه اقتصاد، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
alihadavinia@gmail.com
علی اصغر قائمی‌نیا: مدرس دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، تهران، ایران. aaghaeminia@gmail.com

چکیده

از مهم‌ترین چالش‌های علم اقتصاد رایج که پیش‌بینی دقیق پدیده‌های اقتصادی را با مشکل مواجه می‌کند، عدم لحاظ عوامل معنوی و فرامادی است که در قالب سنت‌های الهی تأثیر می‌گذارند؛ اما آیا در علم اقتصاد اسلامی که در آن سنت‌های الهی لحاظ شده است می‌توان به چنین هدفی دست یافت؟ و آیا لحاظ سنت‌های الهی، قدرت پیش‌بینی پدیده‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد یا به چالش‌های آن اضافه می‌کند؟

نگارندگان در پاسخ به پرسش فوق با کاربست روش تحلیلی توصیفی، به نتایج زیر دست یافته‌اند:
الف) دوگانه پذیرش اصل پیش‌بینی و رئالیسم در علم اقتصاد رایج مطرح می‌شود؛ لذا برخی با پذیرش اصل رئالیسم، پیش‌بینی را از اهداف این علم تلقی نمی‌کنند.

ب) در علم اقتصاد اسلامی، هرچند پیش‌بینی محور بحث نیست؛ اما در کنار تبیین واقعیت به صورت طولی مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

ج) چالش‌های پیش‌رو برای کسانی که پیش‌بینی را به‌عنوان هدف علم پذیرفته‌اند، نهایتاً دشوار بودن آن را اثبات می‌کند، نه عدم امکان آن را. این مشکل در علم اقتصاد اسلامی به جهت عنصر علم غیب الهی و مصلحت، مضاعف است نه ناممکن.

د) مطالعه موردی در علم اقتصاد و تحلیل سنت‌هایی مانند برکات و اتراف که بیانگر روابط منطقی بین شرط و جزا است، در تنافی با یافته‌های این پژوهش نبوده است.

ه) همچنین جریان سنت ابتلا نمی‌تواند چالش جدی را در مسیر پیش‌بینی حوادث اقتصادی ایجاد کند؛ از این رو، عوامل معنوی می‌توانند به عنوان شاخص‌های هشدار دهنده در پیش‌بینی بحران‌ها عمل کنند و در تحلیل‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی مورد لحاظ قرار گیرند...

واژگان کلیدی: پیش‌بینی، علم اقتصاد اسلامی، علم اقتصاد مدرن، سنت‌های الهی.

مقدمه

از مباحث مهم فلسفه دین، بررسی برخی از آموزه‌های اساسی دین است که از جمله آن‌ها سنت‌های الهی می‌باشد. پیش‌فرض این نوشتار آن است که علم اقتصاد از ناحیه در نظر نگرفتن سنت‌های الهی اقتصادی، با نقص معرفتی مواجه است و از این جهت در تأمین اهداف خود کامیاب نیست و با کاربست این آموزه است که این علم می‌تواند از نقص معرفتی رهایی یابد. اثبات این مسئله و ادعا، دغدغه این نوشتار نیست بلکه اثر حاضر در پی آن است که بیان کند آیا پذیرش این ادعا علم اقتصاد را با چالش پیش‌بینی روبه‌رو نمی‌سازد؟

هدف این مقاله بررسی این سؤال است که آیا لحاظ کردن سنت‌های الهی در علم اقتصاد اسلامی، قدرت پیش‌بینی پدیده‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد یا به چالش‌های آن اضافه می‌کند؟ نگارندگان این تحقیق در صدد آنند که نشان دهند گرچه توجه به سنت‌های الهی در اقتصاد اسلامی دشواری‌های پیش‌بینی را افزایش می‌دهد؛ اما این امر منجر به متغی شدن پیش‌بینی نمی‌شود؛ بلکه دستیابی به چنین پیش‌بینی علی‌رغم دشواری آن می‌تواند نقص معرفتی علم اقتصاد متعارف را جبران کند.

۱. مفاهیم

پیش از تحلیل اشکال یاد شده ضروری است نکاتی اشاره شود:

۱-۱. معنا شناسی علم اقتصاد اسلامی

علم اقتصاد اسلامی به توصیف و تبیین و پیش‌بینی نسبت به پدیده‌ها و رفتارهای اقتصادی در چارچوب نظام اقتصادی مطلوب (با فرض وجود آن) و نظام اقتصادی موجود و پیشنهاد سیاست جهت تغییر وضعیت اقتصاد در چارچوب یک نظام اقتصادی تحقق یافته می‌پردازد و سه وظیفه را به عهده دارد:

۱. دفاع از نظام اقتصادی مطلوب با فرض وجود آن.

۲. توصیف و تبیین و پیش‌بینی و آسیب شناسی و ارزیابی نسبت به وضعیت موجود قبل از نظام سازی.

۳. توصیف و تبیین و پیش‌بینی نسبت به وضع موجود پس از نظام سازی جهت کنترل حرکت نظام محقق شده در راستای اهداف آن.
در هر یک از این سه وظیفه علم اقتصاد به توصیف و تبیین و پیش‌بینی رفتارهای اقتصادی و آثار این رفتارها می‌پردازد.

۲-۱. سنت‌های اقتصادی الهی

خداوند بر اساس ضوابط پدیده‌های هستی، امور جهان و انسان را تدبیر می‌کند (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۲۳۷. طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۴۰. صدر، ۱۳۹۸، ق، ص ۵۰. مصباح یزدی، ۱۳۶۸، ص ۴۰۹) که از آن به سنت‌های الهی تعبیر می‌شود. در قرآن این واژه در کنار واژه «قدر» که در معنای قوانین جهان طبیعت به کار می‌رود، بیش‌تر برای بیان قوانین تکوینی و حقیقی (نه قوانین تشریعی و اعتباری) حاکم بر حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها استفاده می‌شود. (محمدی گیلانی و قربانی، ۱۳۸۵، ص ۵۱) سنت‌های الهی به دو قسم مطلق (که از یک رابطه علت و معلولی بین فعل انسان و آثار آن حکایت نمی‌کند مانند سنت آزمایش و هدایت) و مشروط به فعل انسان‌ها تقسیم می‌شوند.
یکی از مهم‌ترین سنن الهی مشروط که نقش تربیتی مهمی برای انسان‌ها دارد، سنت‌هایی است که در ساحت اقتصادی جریان می‌یابند. «سنت رزق» (هود: ۶. عنکبوت: ۶۰) و «سنت برکت» (اعراف: ۹۶) نمونه‌هایی از این گونه سنن هستند.
سنت‌های الهی اقتصادی، قوانین الهی ناظر به تأثیر رفتارهای انسان‌ها در افزایش و کاهش اموال و ثروت‌های فرد و جامعه هستند.

۲. چالش پیش‌بینی در علم اقتصاد اسلامی

تحلیل سؤال اصلی این نوشتار را در ادامه پیگیری می‌کنیم:

۲-۱. علم اقتصاد و دوگان ابزارگرایی و رئالیسم

در علم اقتصاد دیدگاه‌های مختلفی درباره مسئله پیش‌بینی و دوگان ابزارگرایی-رئالیسم وجود داشته است. طبق برخی نظریات، رئالیسم همواره یک جز اصلی بوده است،

(پیتر، ۱۳۸۱) اما به صورت جدی در بیست سال اخیر توسط تونی لاوسن^۱ و اوسکالی ماک^۲، دو تن از روش‌شناسان برجسته اقتصادی، در برنامه‌های پژوهشی و روش‌شناسی اقتصاد وارد شده است. (مقدم و واعظ، ۱۳۸۵) ادعای ماک^۳ و لاوسن آن است که رئالیسم مطالبی بسیار مهم برای پیشنهاد به روش‌شناسان اقتصادی دارد که تاکنون به آنها توجه نشده است. لاوسن از بکارگیری رئالیسم انتقادی در علم اقتصاد^۴ و الزامات این فلسفه از جمله لزوم در نظر گرفتن یک مبنای هستی‌شناسانه برای اقتصاد جانبداری و ادعا می‌کند که اگر اقتصاددانان این هستی‌شناسی را به حساب آورند، تبیین‌های آنان موفقیت‌آمیزتر خواهد بود. در دیگر سو ماک^۵ در تلاش برای توسعه یک نسخه از رئالیسم متناسب با ویژگی‌های علم اقتصاد است؛ یعنی توسعه یک نسخه محلی از رئالیسم برای اقتصاد. ماک^۶، گرفتن یک نسخه استاندارد رئالیسم علمی از فلسفه علم نشأت گرفته از علوم موفق نظیر فیزیک، و در نظر نگرفتن خط‌پذیری آن و آزمودن تناسب یا عدم تناسب آن با اقتصاد را اشتباه می‌داند. از نظر وی، امکان تجدید نظر در ضوابط فلسفی و به‌طور دقیق‌تر، پروراندن یک نسخه از رئالیسم متناسب با علم اقتصاد وجود دارد. (Maki, 2000, p. 109-125)

در ارزشمندی نظریه اقتصادی یکی از دو مورد زیر مطرح می‌شود:

۱. ابزار پیش‌بینی: براین اساس اگر نظریه بتواند به میزان معناداری پیش‌بینی‌پذیر باشد، ارزشمند است. عمده روش‌شناسی متعارف در اقتصاد مبتنی بر همین رویکرد است و اقتصادسنجی با تکیه بر همین منطق پیش می‌رود. یعنی اگر یک نظریه از واقعیت تهی باشد ولی ابزار خوبی برای پیش‌بینی در اختیار ما قرار گذارد، کافی است که آن را معتبر پنداریم. همچنین سنجه مناسب برای اعتباربخشی به نظریه، اکتفا به قدرت پیش‌بینی آن است؛ به شرحی که آنقدر فروض را تغییر می‌دهیم تا پیش‌بینی مورد نظر محقق شده و نظریه معتبر گردد. روش‌شناسی فرضیه-استنتاجی به همین واقعیت اشاره دارد.
۲. تبیین درستی از واقعیت: این مبنا، بدون توجه به قدرت پیش‌بینی‌پذیری یک

1 . Tony Lawson.

2. Uskali Maki.

۳. برای آگاهی بیشتر از رئالیسم انتقادی در اقتصاد، ر.ک: حمید حسنی؛ کتاب ماه علوم اجتماعی شماره ۶۵.

نظریه، قوت و استحکام در تبیین و شرح واقعیت را اعتباربخش آن می‌داند.^۱ واقع‌نمایی نظریه کافی است تا آن را معتبر بدانیم.

۲-۲. تبیین پیشینی از اهداف علم اقتصاد اسلامی

نگارندگان بر این باورند که اهداف علم اقتصاد از مبانی معرفت‌شناختی متأثر است و برای علم اقتصاد اسلامی، می‌توان اهداف نهایی، میانی و نزدیک، ترسیم کرد. مبنای این‌گونه از علوم، رئالیسم و هدف آن، شناخت واقع است؛ اما برای شناخت واقع نیاز به تبیین علل و برای تبیین علل نیاز به فهم رفتارهای اقتصادی داریم؛ این دو می‌توانند پیش‌بینی و کنترل رفتارها را مدنظر داشته باشند؛ اما کنترل و پیش‌بینی به منظور نقد و اصلاح اوضاع اجتماعی- اقتصادی است. این هدف جلوه‌ای از حل مشکلات واقعی زندگی بشر است. همه این اهداف به منظور تحقق انسان و جامعه شایسته و رسیدن به کمال نهایی است.

بر این اساس، توجه به اولویت در ارزشمندی نظریه‌های علم اقتصاد، در دوگان ذکرشده می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، لذا اگر براساس رویکرد رئالیستی که به دنبال شناخت و کشف واقعیت است، دو نظریه در شرایط برابر، تبیین مشابهی از واقعیت داشته باشند، آن نظریه‌ای در اولویت قرار می‌گیرد که ابزار بهتری برای پیش‌بینی در اختیار قرار دهد.

۲-۳. پیش‌بینی و شرایط آن

در پیش‌بینی پدیده‌های اقتصادی گفته می‌شود زمانی که روابط علت و معلولی شکل می‌گیرند، اگر اقتصاد کشورها به سطحی از نظم‌پذیری و ثبات رسیده باشد (با فرض ثبات جهان اعتباری از پیش‌ساخته‌شده ناشی از نهادها و سازوکارها)، این روابط را با کمترین تورش و انحراف در سطح آزمایشگاهی می‌توان مشاهده، تحلیل و پیش‌بینی کرد؛ اما واقعیت آن است که علم اقتصاد متعارف در بیشتر موارد از پیش‌بینی شرطی قوی عاجز است و تنها می‌تواند به پیش‌بینی شرطی ضعیف بسنده کند.

۱. هرچند در ادامه روشن خواهد شد که نسبت بین تبیین و پیش‌بینی اعم و اخص مطلق است؛ یعنی اگر نظریه‌ای بتواند تبیین درستی را ارائه کند، قادر به پیش‌بینی هم می‌باشد.

تونی لاوسن به نقل از «هیکس» بیان می‌کند که فرآیند پیش‌بینی در علم اقتصاد از سه الگوی کلی تبعیت می‌کند:

الف رخ خواهد داد: پیش‌بینی غیرشرطی؛

اگر ب، آنگاه الف: پیش‌بینی شرطی قوی؛

اگر ب، آنگاه الف؛ مشروط بر آن‌که اختلالی وجود نداشته باشد: پیش‌بینی شرطی ضعیف.

بر این اساس، لازم است میان پیش‌بینی شرطی و غیرشرطی از یک‌سو، و پیش‌بینی قوی و ضعیف از سوی دیگر تمایز قائل شد. «هیکس» نوع نخست را متعلق به پژوهشگر غیرحرفه‌ای می‌داند، دیدگاه ابطال‌گرایانه «کارل پوپر» را در زمره نوع دوم قرار می‌دهد، و در نهایت، خود و به تبع او اقتصاددانان را طرفدار نوع سوم یعنی پیش‌بینی شرطی ضعیف معرفی می‌کند. (ر.ک: قائمی‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۲۶).

در واقع، اقتصاددانان چون اطلاع عمیقی از جهان اجتماعی ساخته‌شده از نهادها و سازوکارهای درون نظام اقتصادی کشورها ندارند، اولاً متغیرهای مستقل مناسبی نمی‌توانند برای متغیر تابع انتخاب کنند و ثانیاً بر فرض انتخاب درست متغیرهای مستقل، در تحلیل جمله اخلاص «پسماند» و نقش متغیرهای پنهان مستقل با مشکل مواجهند و با هر ترفند اقتصادسنجی هم که بخواهند نتایج را اصلاح کنند در نهایت به پیش‌بینی شرطی ضعیفی خواهند رسید. این مشکل در اقتصاد توسعه بسیار عمیق‌تر به چشم می‌خورد؛ زیرا شرط ثبات و نظم‌پذیری در اقتصاد کشورهای در حال توسعه سخت‌تر حاصل می‌شود. در عین حال باید توجه داشت که کوشش‌هایی صورت پذیرفته تا جایگزین‌هایی برای فقدان آزمایشگاه کنترل‌شده ایجاد شود و در این زمینه توفیق زیادی نیز به دست آمده است. در علم اقتصاد با گسترش شاخه اقتصادسنجی کوشش شده است تا روش‌های تحلیل متکی بر فکر ریاضی آماری را تا حدی جایگزین آزمایشگاه کنترل‌شده در آزمون فرضیه نمایند. با این همه بدیهی است که این نقیصه اساسی (فقدان آزمایشگاه کنترل‌شده) هنوز تا حد بسیار قابل توجهی در علوم تجربی اجتماعی پابرجاست. (عظیمی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۱)

در اقتصاد اسلامی توجه به این نکته اهمیت دارد که این گزاره‌ها در جایگاه

پیش فرض‌ها و نه فروض بوده و اساساً مقوله پیش‌بینی در مورد آن‌ها صدق نمی‌کند. آنچنان که در اقتصاد خرد یکی از پیش فرض‌ها، «بیشینه‌سازی منافع» است و نمی‌توان این‌گونه تفسیر نمود که «اگر انسان درآمد و قید بودجه داشته باشد، آنگاه اقدام به بیشینه‌سازی مطلوبیت می‌نماید». پیش فرض‌ها در خود علم، ابطال‌پذیر نیستند و نمی‌توان آن‌ها را به بوته آزمایش سپرد، هرچند می‌توان در مورد صحت و سقم پیش فرض‌ها در فلسفه اقتصاد سخن به میان آورد.

بنابراین، گزاره‌ها ابتدا باید از «ساحت فلسفه اسلام» به «میدان علم اقتصاد اسلامی» تابانیده شود و گزاره‌های بدست آمده که منطبق با واقع هستند، به بوته آزمایش و پیش‌بینی گذاشته شوند. در صورتی که پیش‌بینی محقق در این مرحله با شکست مواجه شد، سنت الهی مردود نخواهد بود، بلکه فهم پژوهشگر اقتصاد اسلامی از سنت و خوانش او از حقیقت قرآن که در قالب فرضیه یا نظریه اقتصادی عرضه شده است، نیازمند اصلاح می‌باشد.

از سوی دیگر یکی از چالش‌ها، قابلیت برآورد از جهت زمان و مقدار است. در این باره باید گفت قوانین اقتصادی در علم اقتصاد، قوانینی کلی و غیر مقید به زمان و مقدارند. برای مثال با فرض پذیرش اینکه «افزایش تقاضای کل (به شرط ثبات بقیه شرایط) موجب افزایش سطح عمومی قیمت‌ها است» قانونی عام و کلی است؛ اما اینکه چه مقدار افزایش تقاضا چه مقدار افزایش در سطح عمومی قیمت‌ها ایجاد می‌کند در این قانون بیان نمی‌شود؛ چرا که بستگی به شرایط دیگری همچون علل افزایش تقاضای کل و شیب عرضه کل دارد و شیب عرضه کل نیز به عوامل متعددی از قبیل ساختار نظم تولید، بازار عوامل تولید و میزان بیکاری و ... دارد. با این وجود، در صورت وجود آمارهای مورد نیاز در مورد تقاضای کل و سطح قیمت‌ها، با بررسی سری‌های زمانی، رابطه این دو در دوره‌های مشابه، با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی می‌توان با احتمال قابل قبولی برآورد کرد که چند درصد افزایش تقاضای کل موجب چند درصد افزایش سطح قیمت‌ها در چه زمانی خواهد شد. برای مثال در صورت وجود آمار مربوط به افزایش تقاضای کل و سطح قیمت‌ها از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ در ایران می‌توان با تقریب قابل قبولی برآورد کرد که در سال ۱۴۰۳ ده درصد افزایش تقاضای کل با چه فاصله

زمانی چه میزان افزایش در سطح عمومی قیمت ایجاد خواهد کرد. البته این در صورتی است که سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ از نظر سایر شرایط اقتصادی مشابه باشند در غیر این صورت این محاسبات و برآوردها قابل قبول نخواهد بود (میر معزی سید حسین، فلسفه دانش اقتصاد اسلامی (مبانی فلسفی)، در دست انتشار)

در سنت‌های الهی نیز رابطه‌ی علی و معلولی بین رفتارها و آثار اقتصادی آن به صورت کلی و قطعی توسط خداوند از طریق آیات و روایات معصومین (ع) بیان شده است؛ قوانینی که به هیچ روی تحویل و تبدیل در آنها وجود ندارد و از این جهت بر قوانین علم اقتصاد برتری دارند؛ ولی در مرحله تطبیق این قوانین بر جوامع دو تفاوت اساسی بین این قوانین با قوانین علم اقتصاد وجود دارد:

۱. در سنت‌هایی که قابل برآورد کمی هستند و از طریق روش‌های کمی و آماری قابل مطالعه‌اند نیز تفاوت در این است که غالباً آمار و اطلاعات لازم برای چنین برآوردی وجود ندارد؛ برای مثال اینکه عدالت‌ورزی در جامعه موجب افزایش برکات خواهد شد. (نگاه کنید به رابطه عدالت توزیعی و فراوانی تولید)^۱ یک قانون علمی کلی و قطعی است و اینکه چه میزان عدالت‌ورزی در چه زمانی و به چه میزان برکات مادی و اقتصادی را افزایش خواهد داد نیز در حد و تراز قوانین علم اقتصاد قابل برآورد است؛ ولی فارغ از بحث تراحم سنت‌های الهی و دشواری فهم سنت‌های حاکم، مشکل اینجا است که شاخص‌های عدالت‌ورزی در عرصه‌های مختلف اجتماعی تدوین نشده و آمارهای لازم برای برآورد این امور در دسترس نیست.

۲. بسیاری از این سنت‌ها ناظر به رفتارهایی هستند که باید از طریق روش‌های کیفی و پرسشنامه و مصاحبه مورد مطالعه قرار گیرند و استفاده از روش‌های کمی و آماری برای برآورد آنها ممکن نیست. برای مثال اینکه استغفار و توبه واقعی از

۱. (وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءٌ مَا يَعْمَلُونَ) (مائده: ۶۶) / (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) (اعراف: ۹۶) / (وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا) (جن: ۱۶). قوانین آسمانی برای تحکیم عدالت در توزیع و پایه‌ریزی روابط توزیعی جامعه بر مبانی عادلانه نازل شده است.

گناهان موجب بازشدن درهای رحمت مادی و معنوی خداوند است، قانونی قطعی است و اگر این عمل از فرد صادر شود یا روح استغفار و توبه بر جامعه حاکم شود ترتب اثر آن قطعی است؛ ولی احراز اینکه جامعه یا فرد در چه وضعیتی است به روش‌های مطالعات کیفی میسر است.

این فرض در جایی است که تعیین کمیت‌ها، در این گونه ناممکن شمرده شود؛ اما به نظر می‌رسد که نگاه قرآن امکان اندازه‌گیری باشد (ر.ک: بهمنی، ۱۷/۰۹/۱۴۰۱). از قرآن استفاده می‌شود که خدا هر چیزی را با اندازه‌ای مقرر کرده است: «وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا» (فرقان: ۲)، «وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ» (رعد: ۸)، «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (طلاق: ۳) و «وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا» (جن: ۲۸) در این آیات، قرآن از عبارت «کل شیء» استفاده کرده است. اما در اینکه ما با ابزارهایی بتوانیم آن کمیت‌ها را تعیین کنیم توجه به این نکته حائز اهمیت است که امکان تجربه همه سنت‌ها وجود ندارد. سنت‌های الهی بر اساس تجربه‌پذیری دو دسته‌اند: سنت‌های تجربی و سنت‌های فراطربری. برخی سنت‌ها را می‌توانیم بارها تجربه کنیم مثلاً سنت مرگ هر جاندار (آل عمران: ۱۸۵) را به کرات مشاهده می‌کنیم؛ اما سنت‌هایی مانند اجل امت‌ها (اعراف: ۳۴) یا استبدال اقوام (توبه: ۳۹) برای تجربه به زمان زیادی نیاز دارند و لازم است چندین نسل مورد بررسی قرار گیرند. همچنین تصور ایجاد نمونه‌های آزمایشگاهی در برخی از سنت‌های الهی، دور از ذهن است؛ مثلاً سه آیه «وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى» (هود: ۳)، «وَايَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» (هود: ۵۲)، «وَأَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ» (هود: ۹۰) بر رابطه علی میان «استغفار سپس توبه» با «برخورداوری از بهره نیک تا اجل مسمی» و نیز بر رابطه علی میان آن دو با «ارسال پی‌درپی باران» و «ازدیاد توانایی» دلالت دارند.

در این موضوع، علاوه بر اینکه معلوم نیست چه مقدار استغفار، چه تعداد استغفارکننده، با چه میزان از خلوص، همراه با چه میزان توبه و با چه مشخصاتی سبب فعلیت و تحقق نتایج سه‌گانه فوق می‌شود، به نظر می‌آید که آزمون این روابط علی هم

ناممکن باشد؛ زیرا «أجل مسمى» از امور غیبی است و به‌طور معمول انسان راهی برای آگاهی از آن ندارد؛ (ر.ک: بهمنی، ۱۷ / ۰۹ / ۱۴۰۱). با آگاهی روابط علی بدون آگاهی از کمیت‌های دقیق، نمی‌توان امر پیش‌بینی را محقق کرد.

پیش از این بیان شد که تلاش شده است روش‌های تحلیل متکی بر فکر ریاضی آماری تا حدی جایگزین آزمایشگاه کنترل‌شده در آزمون فرضیه شود. براین اساس، گفته می‌شود که در دنیای غیرقطعی، صرفاً با کشف باهمایی و کاربست منطق فازی و احتمالات می‌توان به‌گونه‌ای پیش‌بینی کرد که ضریب خطای آن اندک باشد.

از این جهت برخی معتقدند که برای پیش‌بینی الزاماً نیازی به مراحل گفته‌شده (کشف رابطه علت و معلول و تفکیک علت اقتضایی از تامه و تبدیل آن به تامه و...) نیست؛ یعنی می‌توان به‌صورت اقتضایی آینده را پیش‌بینی کرد و در این مسیر از هوش مصنوعی هم می‌توان بهره برد. این پیش‌بینی هرچند ظنی است، فواید فراوانی بر آن بار می‌شود. (ر.ک: سلیمانی امیری و مینایی، همان)

بنابراین، همان گونه که وجود اراده و فقدان آزمایشگاه کنترل‌شده در علم اقتصاد نافعی پیش‌بینی نیست و صرفاً آن را دشوار می‌کند، با پذیرش عناصر گفته‌شده در علم اقتصاد اسلامی، امکان پیش‌بینی به‌طور مطلق نفی نمی‌شود؛ هرچند امر پیش‌بینی را با مشکل مواجه می‌سازد.

۳. مطالعه موردی

یکی از روش‌های مهم برای استفاده از سنت‌های الهی جهت پیش‌بینی در علم اقتصاد اسلامی توجه به ارتباط منطقی بین متغیرهایی است که سنت‌های الهی مطرح می‌کنند و متغیرهایی است که علم اقتصاد در رابطه با آن بیان دارند. اگر بتوان این ارتباط منطقی را تبیین کرد در واقع توانسته‌ایم شاخص‌هایی برای سنت‌های الهی جهت پیش‌بینی در نظر بگیریم. در اینجا به سه سنت الهی اقتصادی اجتماعی برکات، اتراف و ابتلا به‌طور نمونه پرداخته می‌شود:

۳-۱. سنت برکات

برکت فزونی نعمت است که از پایداری و ثبات نیز برخوردار باشد. (مصطفوی، ۱۳۷۱،

ج ۱، ص ۲۵۹. طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۲۵۸. طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۲۸۰ و مکارم، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۶۶) «سنت برکات» در حقیقت به دنبال تبیین رابطه علت و معلولی بین توسعه اقتصادی و عامل دیگری است که در صورت وجود آن، پایداری توسعه اقتصادی دست‌یافتنی و در صورت فقدان آن، محرومیت از توسعه اقتصادی قابل‌پیش‌بینی است؛ اما این عامل چه چیزی می‌باشد؟ این پرسشی است که از دهه هفتاد قرن بیستم ذهن اندیشمندان اقتصادی را به خود مشغول نموده است.

تا اوایل دهه ۱۹۷۰، توسعه معادل با رشد فیزیکی و به معنای انباشت سرمایه مطرح بود؛ اما این برداشت ناصحیح، دست‌آوردی جز توده وسیع و فزاینده فقر در کشورهای رو به رشد به ارمغان نیاورد. به‌همین خاطر از این پس، در رویکردهای علمی به توسعه، تجدید نظر اساسی پدید آمد و توسعه اقتصادی به‌عنوان فرایندی در نظر گرفته شد که تغییرات در عوامل غیرکمی، مانند نهادها، سازمان‌ها و فرهنگ را هم در بر می‌گیرد. بهبود آموزش و بهداشت، و توجه به سرمایه انسانی در کنار سرمایه فیزیکی حاصل این تحولات بود. بدین ترتیب، مفهوم «توسعه پایدار» (Sustainable Development) شکل گرفت. مفهومی که در آن، علاوه بر پیشرفت و کارایی اقتصادی، توزیع عادلانه درآمد، اشتغال، کمک‌های هدفمند و حفاظت از محیط زیست، مدنظر قرار گرفت. (برای آشنایی بیشتر، ر.ک: رادکلیفت، ۱۳۷۳، ص ۸۰-۱۵.

گلدین و ویتترز، ۱۳۷۹، ص ۹۳-۱۲۱. کهن، ۱۳۷۶، ص ۱-۱۱)

قرآن بدون افت‌وخیزهایی مشهود در اقتصاد متعارف، به پرسش یادشده این‌گونه پاسخ داده است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ۹۶)

در این آیه، مطلوبیت «فزاینده‌گی و پایداری نعمت‌های الهی»، به عنوان یک پیش‌فرض اتخاذ شده است و «سنت برکات» فقط به دنبال تبیین عوامل دسترسی به این هدف و مطلوب می‌باشد. این آیه بیان می‌کند توسعه پایدار برخاسته از یک رفتار اجتماعی یعنی «ایمان و تقوای اجتماعی» و نه ایمان یک نفر و دو نفر از آنها می‌باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۲۰۱) بی‌گمان بین بُعد فردی و اجتماعی تقوا تفاوتی وجود دارد و در بُعد اجتماعی آن، مؤلفه‌هایی چون عدالت، برابری، فقرستیزی، حفظ محیط زیست که اقتصاد متعارف یکی پس از دیگری، با برخورد به بحران‌های بزرگ و تجربه افت و خیز شدید،

به عنوان شاخصه‌هایی برای «اقتصاد پایدار» در نظر گرفته است، وجود دارد. هرچند باید به این نکته توجه داشت که تقوا را نباید در امور یاد شده (عدالت، برابری و فقرستیزی و ...) منحصر کرد و باید امور دیگری را مطرح کرد که به ظاهر رابطه عقلی با توسعه پایدار ندارند؛ اما بر اساس منابع دینی می‌توانند در چارچوب نظام علی و معلولی به عدم تحقق توسعه پایدار منتج شوند. بیان شد که دستیابی به همه این عوامل می‌تواند امر پیش‌بینی را کامل‌تر و دقیق‌تر نماید.

در آیهی دیگری می‌فرماید: زمانی توسعه پایدار بدست می‌آید که در جامعه، عنصر «تقوی» با «صبر و استقامت»، نهادینه گردد: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن: ۱۶).^۱ بنابراین، از منظر قرآن اگر انسان در مسیر ایمان و تقوا حرکت کند یک نوع آشتی میان انسان و طبیعت برقرار می‌شود. (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱۵، ص ۴۲، صدر، ۱۳۶۹، ص ۲۶۴) آشتی که با تکیه بر عنصر «شعور باطنی جهان»، به هم گامی تمامی منابع موجود در مسیر تحقق «فزاینده‌گی و پایداری نعمت» برای انسان منجر می‌گردد. حتی اگر انسان در ابتدا، مسیر صحیح را نیمه‌موده ولی پس از توجه، «استغفار» نموده و درصدد تحقق مقدمات لازم برای تقوای اجتماعی باشد، این رابطه نیز قابل اجرا می‌باشد. (هود: ۲۵. نوح: ۱۰-۱۲)

در هر صورت، سنت برکات از وجود یک رابطه علی و معلولی بین «عدالت اجتماعی - اقتصادی» و «پایداری و ثبات اجتماعی - اقتصادی» حکایت می‌نماید. البته قرآن، گاهی «سنت برکات» را از طریق بیان رابطه بین «ظلم و ستم اجتماعی» و «رشد و توسعه اقتصادی ناپایدار» تبیین کرده است: «وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵۸).

«بطر»، به معنای غفلت و سبک مغزی است که در اثر سوء استفاده از نعمت و قیام ننمودن به حق آن و مصرف کردن آن در غیر مورد به آدمی دست می‌دهد و حاصل آن طغیان و سرکشی هنگام برخورداری از نعمت است. (فضل الله ۱۴۱۹، ج ۱۷، ص ۳۱۵ و طباطبایی،

۱. در برخی روایات «ماء غدقا» بر ولایت ائمه ع تطبیق شده (رک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۲۰)؛ اما شایان ذکر است که این‌ها از باب جری و تطبیق یا تفسیر باطنی و احیاناً تأویل نیز باشد.

ج ۱۶، ص ۶۱). در واقع اینان، کسانی هستند که در هنگام برخورداری از نعمت تکبر ورزیده و با پرهیز از روشی که در حمایت از فقرا و برقراری عدالت در جامعه می‌باشد، زمینه «ظلم اجتماعی - اقتصادی» را فراهم می‌آورند. (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۷، ص ۳۱۹ و مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۲۷) این برداشت قرآنی با توجه به آیه ذیل درباره جریان اقتصادی که در مورد قارون مطرح گردیده است، نیز قابل طرح می‌باشد. (قصص: ۷۶) اما پرسش در اینجا است که چنین رفتاری، چگونه موجب «ناپایداری اقتصادی» می‌گردد. فرایند مزبور نیاز به تأمل بیشتری دارد که در آیه ۱۸ و ۱۹ از سوره سبأ به یکی از جنبه‌های آن اشاره شده است: «وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم وَبَيْنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِيَّ وَأَيَّامًا آمِنِينَ فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَقْنَاهُمْ كُلُّ مُمَزَّقٍ». این آیات اشاره به طلوع و غروب قوم سبأ دارد. اولین آیه، به تبیین اول «سنت برکات» پرداخته است. البته در اینجا فرایند تحقق سنت برکات را به ایجاد تسهیلات لازم برای برقراری ارتباطات گسترده و سالم نسبت داده است. گستردگی و عمومیت ارتباطات و پرهیز از پیدایش انحصار توسط ثروتمندان و قدرت‌مداران جامعه، زمینه لازم برای برقراری عدالت اجتماعی و امکان استفاده فقرا از ارتباطات مزبور را فراهم آورده و آنان را از سهم‌بری فرآورده‌های جامعه محروم نمی‌نماید؛ اما درآیه دوم، به این نکته می‌پردازد که این مردم ناسپاس در برابر آن همه نعمتهای بزرگ الهی که سرتاسر زندگانی آنها را فراگرفته بود، انتخاب صحیحی به عمل نیاوردند. آنان تجارت می‌کردند به گونه‌ای که از یمن به شام رفته و شب در دهی می‌خوابیدند و هنگام ظهر در روستای آباد دیگری که محتاج زاد و توشه نبودند، می‌آرمیدند. ارتباطات گسترده و بسیار آسان سبب گردید که ثروتمندان و اغنیا، بر فقرا حسد بورزند، زیرا که دیگر فرقی بین آنان و فقراء وجود نداشت. (بیگم، ۱۳۶۱، ج ۱۰، ص ۲۸۶) بنابراین از خدا طلب نمودند که منزلهای ما را از هم دور گردان و تجار و سرمایه‌داران برای اینکه متاع آنها کم‌یاب و گران شود، از خدا خواستند که مسافرت نمودن در اطراف آنها مشکل شود. منظورشان این بود که در میان این قریه‌های آباد فاصله‌ای بیفتد و بیابانهای خشکی پیدا شود، به این جهت که اغنیا و ثروتمندان مایل نبودند افراد کم درآمد همانند آنها سفر کنند و به هر جا می‌خواهند بی زاد و توشه و مرکب بروند. گویی سفر از افتخارات آنها و نشانه قدرت و ثروت بود و می‌بایست این امتیاز و برتری همیشه برای آنان ثبت شود و یا اینکه راحتی و رفاه آنها را

ناراحت کرده بود. (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۶۴. زحیلی؛ ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۱۰۴. زحیلی؛ ۱۴۱۸، ج ۲۲، ص ۱۶۷) در هر حال، این دعا تنها در اذهان ثروتمندان و قدرت‌مداران جامعه محبوس نشد؛ بلکه با توجه به جایگاه اجتماعی آنان، در انتخاب‌ها و رفتارهای آنان نیز تأثیر گذاشته است. به گونه‌ای که در سیاست‌گذاری‌های کلان جامعه، تمایل به راهبردهایی یافته‌اند که در آن نه تنها از فقرستیزی اثری مشاهده نمی‌شود، بلکه اعمال این سیاست‌ها هر لحظه بر تشدید فاصله طبقاتی و ظلم اجتماعی افزوده می‌شود. سرانجام، چنین فرایندی جز بحران‌های اجتماعی و نابودی تمدن مزبور نیست: «وَمَزَقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ».

نتیجه اینکه رابطه علت و معلولی بین توسعه اقتصادی و عوامل معنوی همچون ایمان و تقوا وجود دارد. این مطلب با آنچه که درباره رابطه بین عدالت و توسعه اقتصاد پایدار مطرح می‌شود، ارتباط منطقی دارد. این ارتباط به ما کمک می‌کند پایداری توسعه اقتصادی را توسط سنت برکات پیش‌بینی نماییم؛ هرچند طبق مباحث پیشین در این امر با چالش‌هایی روبه‌رو هستیم که باید برای حل هریک از آن‌ها راهی پیدا کرد؛ اما موضوع پیش‌بینی را به کلی منتفی نمی‌کند و نهایتش این است که نمی‌توان درباره زمان وقوع آن یک پیش‌بینی قوی را انجام داد. منتهی این پیش‌بینی از جهات دیگر دقیق، کامل و با دیدن همه عوامل خواهد بود.

با این حال، بر اساس توضیحاتی که در زیر می‌آید می‌توان در تحلیل‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، سنت برکت را دخیل کرد و اقدام به پیش‌بینی نمود. از آنجا که سنت برکات بر تولید و مصرف مسئولانه به جای حداکثرسازی سود کوتاه‌مدت تأکید دارد، به لحاظ تحلیل اقتصادی نشان از تأثیر عدالت توزیعی (مثل پرداخت زکات، انفاق و...) بر رشد پایدار اقتصاد دارد. جوامعی که به توزیع عادلانه‌تر درآمد پایبندند، از ثبات اقتصادی بیشتری برخوردارند.

به لحاظ سیاست‌گذاری پیشنهاد طراحی نظام مالیاتی مبتنی بر زکات (به جای مالیات‌های تصاعدی صرف) برای کاهش فقر و تحرک اقتصادی را می‌دهد و به منظور ترجیح رفاه جمعی بر سود فردی، بر حمایت از کسب و کارهای کوچک و تعاونی‌ها تمرکز دارد و برای پروژه‌های زیست‌محیطی و کشاورزی پایدار (به عنوان مصداق برکت در منابع طبیعی) سیاست‌های تشویقی را معرفی می‌کند.

البته می‌توان برای پیش‌بینی بر اساس سنت برکات شاخص‌های قابل اندازه‌گیری زیر را پیشنهاد داد:

- نرخ زکات و انفاق در جامعه (به عنوان نماد عدالت توزیعی).
- سطح رضایت اجتماعی (بر اساس کاهش فقر و نابرابری).
- بهره‌وری منابع طبیعی بدون تخریب محیط زیست.
- رابطه مثبت بین شاخص برکت (ترکیبی از عدالت، اخلاق، و پایداری زیست‌محیطی) و رشد اقتصادی پایدار را می‌توان با روش‌های اقتصادسنجی آزمود. هرچند در این مسیر با چالش‌هایی مانند تبدیل مفاهیم کیفی به داده‌های کمی، یا ادغام این سنت با مدل‌های اقتصاد متعارف وجود دارد؛ اما در این موارد می‌توان از راهکار زیر بهره برد:
- استفاده از نظرسنجی‌های میدانی برای سنجش «رضایت از عدالت اقتصادی» یا «میزان انفاق» به عنوان پراکسی برکت.
- توسعه مدل‌های «اقتصاد اسلامی-رفتاری» که عوامل معنوی را در تابع مطلوبیت افراد وارد می‌کند (مثلاً مطلوبیت ناشی از انفاق).

۲-۳. سنت اتراف

«اتراف» گسترش در نعمت و روزی است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴، ص ۷۰ و فراهیدی، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۱۱۴ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۱۷ و طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۵۹) و مترف به کسانی گفته می‌شود که مست و مغرور به نعمت دنیوی شده و طغیان کرده‌اند و از ماورای نعمت غافل شده‌اند (میبدی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۵۳۱ و مکارم، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۳۹ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۱۷. مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۴، ص ۴۱۷. طیب، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۳۹۰. طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹ ص ۱۲۴) بدیهی است که پدید آمدن چنین حالتی برای گروه «ملا» که از اموال و ثروت سرشاری برخوردارند امکان بیشتری خواهد داشت. بی‌گمان اگر این صفت در طبقه خاصی از اجتماع به وقوع بپیوندد، عدالت اجتماعی را از آن جامعه سلب نموده و زمینه سقوط آن جامعه را فراهم می‌آورد. آیه ذیل به خوبی این پدیده را که می‌توان از آن به سنت اتراف یاد کرد تبیین می‌نماید: «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نَهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا» (اسراء: ۱۶) در این آیه

مراحل چهارگانه «اوامر (و نواهی)»، «فسق و مخالفت»، «استحقاق مجازات» و «مرحله هلاکت» را به عنوان فرایند تاریخی این سقوط در نظر گرفته است. همه این مراحل با فاء تفریع به یکدیگر عطف شده‌اند که نشان‌دهنده ترتب وقوعی آنها می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۵۹ و مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۵۹ و زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۱۵، ص ۳۶. طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۶، ص ۶۲۶). بدین ترتیب می‌توان گفت در فرهنگ قرآنی، «تعادل خودکار» نمی‌تواند به عنوان یک پیش‌فرض برای تئوری‌های اقتصادی در نظر گرفته شود، به گونه‌ای که تمامی امور به آن سپرده شود؛ بلکه می‌بایست به برنامه‌ریزی‌های مربوط به عدالت اجتماعی پرداخته شود، در غیر این صورت، می‌بایست وقوع نوسانات گوناگون اقتصادی را پیش‌بینی نمود. از سوی دیگر سقوط اجتماع، به معنای تغییر روابط حاکم و تحول و اصلاح آن به روابط نوین، در طی یک مبارزه شدید صورت می‌گیرد. طبقه ملاً به دلیل وابستگی به روابط ظالمانه موجود، تلاش در حفظ آن را دارند، این در حالی است که پیامبران در جهت حذف این روابط قیام می‌نمایند. به همین دلیل مخالفت طبقه «ملأ» با پیامبران در طول تاریخ همیشگی بوده است. قرآن کریم به مبارزه و مخالفت این طبقه با انبیائی چون نوح، هود، صالح، شعیب و موسی (ع) (اعراف: ۶۰ و ۶۶ و ۷۶ و ۸۸ و ۱۰۹) اشاره کرده است. اگر چه چنین آیاتی مبارزه مزبور را به صورت مبارزه حق و باطل مطرح می‌نمایند و این نظریه باطل را که با زیربنا قرار دادن اقتصاد مبارزه مزبور را به عنوان یک مبارزه طبقاتی آن هم اجتماعی - اقتصادی صرف در نظر می‌گیرد (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۱۹۸)، تأیید نمی‌کند؛ اما مبارزه مزبور را خالی از جنبه‌های اقتصادی نیز نمی‌داند؛ زیرا در برخی موارد، تعالیم انبیا که در صدد اصلاح روابط ظالمانه موجود می‌باشند، به تنظیم رفتارهای اقتصادی گروه حاکم پرداخته و به همین خاطر مخالفت این گروه را به همراه داشته و در نتیجه مبارزات اجتماعی منعقد شده است.

از بحث‌های مورد بررسی در علوم اجتماعی که در تبیین سنت اتراف مفید می‌باشد چگونگی تأثیرگذاری جامعه و محیط بر فرد است. محیط خارجی شامل محیط طبیعی و جغرافیایی و محیط انسانی و اجتماعی است. تأثیرگذاری محیط اجتماعی بر شخصیت فرد در مسیرهای مختلفی می‌تواند صورت پذیرد. یکی از این مسیرها «تقلید» می‌باشد. قرآن کریم تقلید را در زمینه‌های گوناگونی مطرح نموده است. (مصباح یزدی، ۱۳۶۸،

ص ۲۱۶-۲۲۸) «اتراف» از جمله این گونه رفتارهای اقتصادی است که آثار اقتصادی آن را می‌توان در نظریه «اثر نمایشی» (Demonstration effect) تبیین کرد. در این نظریه مطرح می‌شود که مردم با مصارف نمایشی خود با یکدیگر چشم و هم‌چشمی می‌کنند و این رفتار در تعیین عادات مصرف و پس‌انداز آن‌ها مؤثر است. بنابراین، این امکان وجود دارد که با وجود افزایش درآمد واقعی به دلیل بالا بودن سطح درآمد نسبی در اثر اختلاف طبقاتی شدید، پس‌انداز بالا نرود. (نورکس، ۱۳۴۸، ص ۶۸)

گفته شد طبقه ملأ در پیدایش سنت اتراف نقش مهمی دارند. «ملأ» در لغت به گروهی گفته می‌شود که دیدن آنان چشمان را پر کند و جان‌ها را هیبت و جبروت آن‌ها بگیرد. مصداق بارز این معنا گروه اشراف قوم و چهره‌ها و روسا و پیشوایان آن‌هاست که به گفتار و رفتار آنان اعتنا می‌شود. از سوی دیگر درباره ارتباط مفهوم لغوی این واژه با ریشه‌اش که به معنای «پر بودن» می‌باشد باید گفت تنها به این دلیل به آن‌ها «ملأ» می‌گویند که در اظهار رأی و ثروت لبریز بوده و نهایت وضعیت موجود می‌باشند. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۹۶ و مصطفوی، ۱۳۷۱، ج ۱۱، ص ۱۵۵. ابن منظور ج ۱، ص ۱۵۹) در قرآن کریم واژه «ملأ» سی بار تکرار شده که به جز پنج مورد (مانند نمل: ۲۹ و ۳۲ و ۳۸) با بار منفی و اوصاف ناپسند ذکر شده است و لذا می‌توان گفت عموماً از آن مفهومی نکوهیده استنباط می‌شود (ر.ک: رحیلی، ۱۴۱۸، ج ۹، ص ۲۷. طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۸۵. بیگم، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۳۶۶. صادقی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۱۶۰ و قمی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۷۹. طبرسی، ۱۴۰۶: ذیل آیه ۲۴۶ بقره و ذیل آیه ۶۱ اعراف و عبده، بی‌تا: ذیل آیه ۶۱ اعراف ج ۸ ص ۴۹۱)

از نظریاتی که می‌تواند ما را در تبیین این پدیده کمک نماید نظریه طبقه مرفه (The theory of the leisure class) است. وبلن، پیرامون واکنش طبقه مرفه در جامعه صنعتی و مخالفت با هرگونه تغییرات روابط اقتصادی، این گونه می‌گوید:

«طبقه مرفه تا اندازه زیادی از فشار پیشامدهای اقتصادی که در جامعه‌های نوین و پیچیده صنعتی وجود دارد، در امان است. مقتضیات اقتصادی، برای اعضای این طبقه باعث ناآسودگی و دشواری زندگی نمی‌شوند، تا آن‌ها را وادارند که به فکر رها کردن روش موجود و معمول زندگی بيفتند. وظیفه طبقه مرفه این است که حرکت تکامل

اجتماعی را کند و آنچه را که کهنه و قدیمی است، همچنان حفظ کند. این قضیه به هیچ‌وجه تازگی ندارد و دیر زمانی است که مورد توافق عقیده عمومی است». (وبلن، ۱۳۸۳، ص ۲۱۷)

همان گونه که مشاهده شد، سنت اتراف به دنبال تبیین رابطه بین حاکمیت مترفین و سقوط تمدن‌ها می‌باشد. تلاش شد این رابطه با دو نظریه اثر نمایشی و طبقه مرفه تبیین شود. بی‌گمان توجه به این امر، سبب سهولت پیش‌بینی دقیق و همه‌جانبه برای ما می‌گردد؛ هرچند توجه به این نکته ضروری است که سنت‌های الهی را باید در چارچوب نظام علی و معلولی مجرد و مادی در طول هم، فهم و توجیه نمود و نباید آن‌ها از جمله تدمیر مترفین را در همان فرآیند عقلی پیش‌گفته محدود کرد.

در هر حال می‌توان در تحلیل‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، سنت اتراف را دخیل کرد و اقدام به پیش‌بینی کرد.

در مورد تحلیل اقتصادی، رابطه بین نابرابری درآمدی و بی‌ثباتی اجتماعی-اقتصادی (مطابق با سنت اتراف که جوامع مرفه اما ناعادلانه را مستعد سقوط می‌داند) و نیز تحلیل صناعی که مبتنی بر اتراف هستند (مثل تولید کالاهای لوکس غیرضروری) و تأثیر آنها بر تخصیص ناکارآمد منابع، باید مورد بررسی قرار گیرند.

اما از جهت سیاست‌گذاری اقتصادی مبتنی بر عدم اتراف به سه مورد می‌توان اشاره کرد:

- وضع مالیات بر کالاهای لوکس (مصادیق اتراف) و اختصاص درآمد آن به پروژه‌های عام‌المنفعه.

- تنظیم مقررات برای محدود کردن تبلیغات مصرف‌گرایی افراطی (به ویژه برای اقشار کم‌درآمد).

- تقویت اقتصاد مشارکتی (Shared Economy) و کاهش اسراف در منابع. براساس آنچه تاکنون گفته شد، اتراف (اسراف و مصرف افراطی) به عنوان عامل سقوط تمدن‌ها با بحران‌های ناشی از نابرابری، بدهی‌های کلان و حباب‌های اقتصادی مرتبط است. بر اساس شاخص‌های قابل اندازه‌گیری مانند ضریب جینی (نابرابری درآمدی)، نسبت بدهی خانوارها به درآمد، حجم بازار کالاهای لوکس غیرضروری، می‌توان بحران‌های اقتصادی را پیش‌بینی کرد.

به بیانی دیگر، با جمع‌آوری داده‌های حجم بازار کالاهای لوکس، نرخ بدهی خانوارها و ضریب جینی در یک کشور و پس از آن ترکیب این متغیرها با وزندهی بر اساس آموزه‌های اسلامی (مثلاً تأکید بیشتر بر نابرابری) و تحلیل روند (اگر شاخص اتراف برای ۳ سال متوالی افزایش یابد، احتمال بحران اقتصادی در ۵ سال آینده بالا می‌رود) می‌توان سیاست‌گذاری پیشگیرانه را مطرح کرد مثلاً بر ثروت مالیات وضع کرد و در اعطای وام‌های پرریسک محدودیت ایجاد نمود.

۳-۳. سنت ابتلا

قرآن جوامع را در معرض آزمون‌های اقتصادی (مانند قحطی یا وفور نعمت) قرار می‌دهد (عنکبوت: ۲. بقره: ۱۵۵) تا تاب‌آوری آن‌ها سنجیده شود و انسان‌ها و جوامع به کمال مطلوب راه یابند. ابتلاء و امتحانات الهی یکی از مهم‌ترین چالش‌های سنت‌های الهی است و در اینجا باید اشاره شود که چگونه ابتلاء و آزمایش الهی باعث پیچیده‌تر شدن پیش‌بینی می‌شود؟ آیا می‌توان رویکردی را برای لحاظ کردن این عامل در پیش‌بینی اقتصادی پیشنهاد داد؟

هرچند زمان اجرای سنت ابتلاء براساس علم الهی است و بخشی از آن به اراده انسان‌ها بستگی ندارد و از این جهت پیش‌بینی اجرای سنت ابتلاء سخت و دشوار است؛ اما نکات زیر می‌تواند در اینجا راهگشا باشد؛ اولاً بخش دیگری از سنت ابتلاء مشروط و به اراده انسان‌ها بستگی دارد. در این گونه موارد می‌توان با برنامه‌ریزی در حوزه اخلاق و رفتار و ارتقای اخلاق اجتماعی وقوع ناگوار برخی حوادث را پیش‌بینی کرد یا از وقوع آن‌ها جلوگیری کرد. (ر.ک: ترخان، ۱۴۰۳، ص ۱۸۶-۲۰۰) ثانیاً در مورد سنت ابتلائی مطلق هرچند نمی‌توان در اصل اجرای آن نقشی داشت؛ اما می‌توان کمیت و کیفیت آن را تغییر داد یا بحران‌ها را با برنامه‌ریزی به فرصت تبدیل کرد. در این بخش پیش‌بینی وقوع حوادث طبیعی یا اجتماعی می‌تواند نقش اساسی ایفا کند.

در یک تحلیل اقتصادی می‌توان بررسی رابطه بین تاب‌آوری اقتصادی و پایداری به اخلاقیات در بحران‌ها را نشان داد. جوامعی که در بحران به همبستگی اجتماعی روی می‌آورند، سریع‌تر بهبود می‌یابند. به لحاظ سیاست‌گذاری ایجاد صندوق‌های اجتماعی برای روزهای سخت مانند وقف یا انفاق، تک محصولی نکردن کشور در حوزه اقتصاد،

گنجاندن آموزش مهارت‌های اخلاقی-اقتصادی (مانند قناعت) در برنامه‌های توسعه را می‌توان پیشنهاد داد. از این‌رو، تنوع بخشی اقتصادی (اجتناب از تک محصولی بودن) و همچنین سطح همبستگی اجتماعی (مشارکت در وقف و انفاق) را می‌توان به عنوان شاخص‌های قابل اندازه‌گیری و براساس سنت ابتلا مطرح و بر اساس آن‌ها پیش‌بینی کرد آیا در بحران‌های اقتصادی، جوامع می‌توانند سریع بهبود یابند یا نه؟

نتیجه‌گیری

نوشتار حاضر با روش تحلیلی توصیفی با این پیش‌فرض که یکی از مشکلات علم اقتصاد مدرن نقص معرفتی آن است به سؤال اصلی خود پاسخ گفته است. عامل این نقص معرفتی در نظر نگرفتن سنت‌های الهی است؛ اما همین پرسش اساسی دیگری را تولید کرده است که این مقاله بدان پرداخته است. پرسش این است که آیا با لحاظ سنت‌های الهی در علم اقتصاد با چالش پیش‌بینی مواجه نخواهیم شد؟

- در پاسخ به این پرسش مواردی مورد بحث قرار گرفت و نتایجی حاصل شد:
۱. پیش‌بینی در علم اقتصاد رایج از جایگاه مستحکمی برخوردار نیست؛ هرچند در علم اقتصاد اسلامی می‌تواند به عنوان یکی از اهداف طولی مورد پذیرش قرار گیرد.
 ۲. علم اقتصاد موجود نیز نمی‌تواند پیش‌بینی دقیق و همه‌جانبه‌ای را به بشریت عرضه کند. اما رفع این چالش، ما را با چالش مهم‌تری مواجه می‌سازد که با لحاظ سنت‌های الهی به طریق اولی نمی‌توانیم حوادث اجتماعی و اقتصادی را پیش‌بینی کنیم.
 ۳. هرچند در علم اقتصاد مطلوب با لحاظ سنت‌های الهی عناصری مانند اراده، علم غیب الهی و مصلحت دخیل خواهند شد؛ اما این‌ها نمی‌توانند از اساس امر پیش‌بینی را ناممکن کنند هرچند سختی دستیابی به پیش‌بینی، مضاعف است اما چنین علمی با نقص معرفتی مواجه نیست و بر این سختی مضاعف می‌توان با تکنیک‌هایی فائق آمد.
 ۴. تأکید این نوشتار، توجه به موارد عینی و پرهیز از کلیات بود. از این رو با مروری به علم اقتصاد و در نهایت دو سنت اقتصادی سنت برکات و اتراف امر پیش‌بینی، واکاوی و نشان داده شد که اولاً سنت برکات ارتباط منطقی بین عدالت و توسعه اقتصاد پایدار را

مطرح می‌کند. کشف این ارتباط به ما کمک می‌کند پایداری توسعه اقتصادی را توسط سنت برکات پیش‌بینی نماییم. ثانیاً، سنت اتراف که به دنبال تبیین رابطه بین حاکمیت مترفین و سقوط تمدن‌ها است، توسط دو نظریه اثر نمایشی و طبقه مرفه قابل تبیین می‌باشد و این امر سبب سهولت پیش‌بینی دقیق برای ما می‌گردد.

۵. از آنجایی که جوامع در معرض آزمون‌های اقتصادی (سنت ابتلا) قرار می‌گیرند، ضمن پذیرش پیچیدگی امر پیش‌بینی با لحاظ این سنت در دو ساحت ابتلای مطلق و مشروط، به چالش‌ها و راهکارها اشاره شد.

۶. به منظور کاربردی کردن نظریه سنت‌های الهی در حوزه اقتصاد، تلاش شد اقتضائات آن در دو حوزه تحلیل و سیاست‌گذاری اقتصادی در ارتباط با امر پیش‌بینی مورد لحاظ قرار گیرد.

کتابنامه

قرآن

ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، دار صادر، سوم، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
بهمنی، سعید؛ کرسی ترویجی «چالش‌های کاربردی سنت‌های الهی در هوش مصنوعی»؛
۱۴۰۱/۰۹/۱۷.

بیگم، سیده نصرت (بانوی ایرانی): مخزن العرفان فی تفسیر القرآن، تهران: نهضت زنان
مسلمان، ۱۳۶۱.

ترخان، قاسم؛ سنت‌های الهی اجتماعی و پیشرفت؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه
فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۰۳.

رادکلیفت، مایکل؛ توسعه پایدار، ترجمه: حسین نیر، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد
کشاورزی، اول، تهران، ۱۳۷۳ ش.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن؛ لبنان - سوریه: دارالعلم - الدار
الشامیه، ۱۴۱۴ ق.

زحیلی، وهبه بن مصطفى؛ التفسیر الوسیط، اول، دمشق: دار الفکر، ۱۴۲۲ ق.
زحیلی، وهبه بن مصطفى؛ تفسیر المنیر فی العقیده الشریقه و المنهج؛ اول، بیروت: دار الفکر

المعاصر، ۱۴۱۸ ق.

صادقی، تهرانی محمد: الفرقان فی تفسیر القرآن، دوم، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
صدر، سید محمد باقر؛ سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ترجمه حسین منوچهری، اول، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۹
صدر، سید محمد باقر؛ المدرسة القرآنیة؛ ج ۳، قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر، ۱۳۹۸ ق.

طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.

طبرسی (امین الاسلام)، أبی علی الفضل بن الحسن: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، اول، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۰۶ ق.

طریحی، فخر الدین: مجمع البحرين، محقق و مصحح: سید احمد حسینی، سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.

طیب، سید عبد الحسین؛ أظیب البیان فی تفسیر القرآن، دوم، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش.
عظیمی، حسین؛ ماهیت و روش در علم اقتصاد؛ دانشگاه انقلاب بهار و تابستان ۱۳۷۳ - شماره ۱۰۱ و ۱۰۲، ص ۱۱۵-۱۳۴.

فابین، پتر؛ خطابه و واقع گرایی در روش شناسی اقتصادی: ارزیابی نقادانه دستاوردهای اخیر. نشریه برنامه و بودجه، ش ۱، ۱۳۸۱، ص ۴۳-۷۷.

فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ تحقیق مهدی المخزومی / ابراهیم السامرائی؛ تصحیح اسعد الطیب؛ قم: انتشارات اسوه، ۱۳۸۳.

قائمی‌نیا، علی اصغر؛ دیدگاه تونی لاوسن در دو کتاب «اقتصاد و واقعیت» و «بازبنیاد اقتصاد»؛ کتاب ماه علوم اجتماعی، ش ۶۵، مرداد ۱۳۹۲، ص ۲۴-۲۶.

قمی مشهدی، محمد؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب؛ اول، تهران: مؤسسة الطبع و النشر وزارت ارشاد، ۱۳۶۶ ش.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ کافی؛ ج ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
گلدین، یان و وینترز، ال. آلن: اقتصاد توسعه پایدار، مترجمان: غلامرضا آزاد (ارمکی) و

- عبدالرضا رکن الدین افتخاری، اول، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۷۹ ش.
- محمدی گیلانی، محمد و قربانی لاهیجی، زین العابدین؛ قرآن و سنن الهی در اجتماع بشر؛ ج ۲، تهران: سایه، ۱۳۸۵.
- مدرسی، سید محمد تقی: من هدی القرآن، اول، تهران: دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ ق.
- مصباح یزدی، محمد تقی؛ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، اول، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.
- مصطفوی، حسن؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم؛ ج ۱، مؤسسه الطباعة والنشر وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۷۱.
- مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، ج ۱؛ چ ۱۲، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۴.
- مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، ج ۱۵؛ چ ۴، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۷.
- مطهری، مرتضی؛ مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، ج ۵ (جامعه و تاریخ)، پنجم، تهران، ۱۳۷۲ ش.
- مقدم، وحید و واعظی، محمد؛ جایگاه رئالیسم و ابزارگرایی در روش‌شناسی علم اقتصاد، روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۳۸۸، ۱۵ (۵۸)، ص ۳۳-۶۲.
- مکارم شیرازی، ناصر: تفسیر نمونه، اول، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- ملکیان، مصطفی؛ تاریخ فلسفه غرب، قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷.
- میددی، ابوالفضل: کشف الأسرار و عدۀ الأبرار، اول، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۳ ش.
- نوربرت فوگن، هانس؛ ماکس وبر؛ ترجمۀ محمود رامبد؛ تهران: هرمس، ۱۳۸۵.
- نورکس، راگنار؛ مسائل تشکیل سرمایه در کشورهای توسعه نیافته، ترجمه: عبدالله زندیه، دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد، مؤسسه تحقیقات اقتصادی، ۱۳۴۸ ش.
- وبلن، تورستین: نظریه طبقه مرفه، ترجمه: فرهنگ ارشاد، اول، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳ ش.
- Amini Eslami, Amin al-Islam (Tabarsi), Abu Ali al-Fazl ibn al-Hasan. (1406 AH). Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an. Beirut: Dar al-Ma'rifa. (In Arabian)
- Azimi, Hossein. (1994). Mahiyat va Ravesh dar 'Elm-e Eghtesad. Daneshgah-e Enghelab Journal, Spring-Summer, Nos. 101-102, 115-134. (In Persian)
- Fabian, Peter. (2002). Khetabeh va Vaqe'-Gerayi dar Ravesh-Shenasi-ye Eghtesadi: Arzyabi-ye Naqedaneh-ye Dastyavardhaye Akhir. Plan and Budget Journal, 1, 43-77. (In Persian)
- Farahidi, Khalil ibn Ahmad. (2004). Kitab al-'Ayn. Ed. Mahdi al-Makhzumi & Ibrahim al-Samarra'i. Qom: Osveh Publications. (In Arabian)

- Fawgen, Hans Norbert. (2006). Max Weber (Trans. Mahmoud Rambod). Tehran: Hermes. (In Persian)
- Goldin, Ian, & Winters, L. Alan. (2000). Eghtesad-e Tose'eh-ye Paydar (Trans. Gholamreza Azad & Abdolreza Roknoddin Eftekhari). Tehran: Commercial Printing & Publishing Co. (In Persian)
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram. (1414 AH). Lisan al-'Arab. 3rd ed. Beirut: Dar Sader. (In Arabian)
- Kalayni, Muhammad ibn Ya'qub. (1407 AH). Al-Kafi. 4th ed. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. (In Arabian)
- Khansari, Qasem. (2024). Sonnat-haye Elahi-ye Ejtema'i va Pishraft. Tehran: Research Institute for Culture and Islamic Thought. (In Persian)
- Madresi, Seyyed Mohammad Taqi. (1419 AH). Min Huda al-Qur'an. Tehran: Dar Mohib al-Hosseini. (In Arabian)
- Makarem Shirazi, Naser. (1995). Tafsir-e Nemuneh. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. (In Persian)
- Maki, U. (2000). Reclaiming relevant realism. Journal of Economic Methodology, 7(1), 109-125.
- Malekian, Mostafa. (1998). Tarikh-e Falsafeh-ye Gharb. Qom: Office for Seminary-University Cooperation. (In Persian)
- Maybodi, Abolfazl. (1984). Kashf al-Asrar wa 'Uddat al-Abrar. Tehran: Amir Kabir Publications. (In Persian)
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi. (1989). Jame'eh va Tarikh az Didgah-e Qur'an. Tehran: Islamic Propagation Organization Press. (In Persian)
- Mohammadi Gilani, Mohammad, & Ghorbani Lahiji, Zeyn al-Abedin. (2006). Qur'an va Sonan-e Elahi dar Ejtema'-e Bashari. 2nd ed. Tehran: Saye. (In Persian)
- Moqaddam, Vahid, & Va'ez, Mohammad. (2009). The position of realism and instrumentalism in economic methodology. Ravesh-Shenasi-ye Oloum-e Ensani, 15(58), 33-62. (In Persian)
- Mostafavi, Hassan. (1992). Al-Tahqiq fi Kalimat al-Qur'an al-Karim. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Press. (In Arabian)
- Motahari, Morteza. (1993). Moqaddameh'i bar Jahanbini-ye Eslami, Vol. 5: Society and History. 5th ed. Tehran. (In Persian)
- Motahari, Morteza. (2005). Majmu'eh-ye Asar, Vol. 1. 12th ed. Tehran: Sadra Publications. (In Persian)
- Motahari, Morteza. (2008). Majmu'eh-ye Asar, Vol. 15. 4th ed. Tehran: Sadra Publications. (In Persian)
- Nurkse, Ragnar. (1969). Masa'el-e Tashkil-e Sarmayeh dar Keshvarhaye Tose'eh-Nayafteh (Trans. Abdollah Zandieh). Tehran University, Institute of Economic Research. (In Persian)
- Qaeimi-Nia, Ali Asghar. (2013). Tony Lawson's view in Economics and Reality and Reorienting Economics. Ketab-e Mah-e Oloum-e Ejtema'i, 65, 24-26. (In Persian)
- Qomi Mashhadi, Mohammad. (1987). Tafsir Kanz al-Daqa'iq wa Bahr al-Ghara'ib. Tehran: Ministry of Culture and Guidance Press. (In Persian)

- Radcliffe, Michael. (1994). Tose'eh-ye Paydar (Trans. Hossein Nayer). Tehran: Center for Planning and Agricultural Economics Studies. (In Persian)
- Ragheb Esfahani, Hossein ibn Mohammad. (1414 AH). Mufradat Alfaz al-Qur'an. Lebanon-Syria: Dar al-'Ilm & al-Dar al-Shamiya. (In Arabian)
- Sadeghi Tehrani, Mohammad. (1986). Al-Furqan fi Tafsir al-Qur'an. 2nd ed. Qom: Farhang-e Eslami Publications. (In Persian)
- Sadr, Seyyed Mohammad Baqer. (1398 AH). Al-Madrasah al-Qur'aniyyah. 3rd ed. Qom: Shahid Sadr Research Center. (In Arabian)
- Sadr, Seyyed Mohammad Baqer. (1990). Sonnat-haye Ejtema'i va Falsafeh-ye Tarikh dar Maktab-e Qur'an (Trans. Hossein Manouchehri). Tehran: Raja Cultural Center. (In Persian)
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein. (1390 AH). Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an. 2nd ed. Beirut: Mu'assasat al-A'lami. (In Arabian)
- Tashkhiri, Mohammad Ali. (2007). Shari'a foundations of Islamic securities (Sukuk). Islamic Economics Quarterly, 9, 27. (In Persian)
- Taskhiri, Mohammad Ali. (2008). Mabani-ye Shar'i-ye Oragh-e Bahadar-e Eslami (Sukuk). Islamic Economics Quarterly, 9, 27. (In Persian)
- Tayyeb, Seyyed Abdolhossein. (1999). Atyab al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an. 2nd ed. Tehran: Eslam Publications. (In Arabian)
- Torayhi, Fakhr al-Din. (1996). Majma' al-Bahrayn. Ed. Seyyed Ahmad Hosseini. 3rd ed. Tehran: Mortazavi Bookstore. (In Arabian)
- Veblen, Thorstein. (2004). Nazariyeh-ye Tabaqeh-ye Morafah (Trans. Farhang Ershad). Tehran: Ney Publications. (In Persian)
- Zahili, Wahbah ibn Mostafa. (1418 AH). Tafsir al-Munir fi al-'Aqidah wa al-Shari'ah wa al-Manhaj. Beirut: Dar al-Fikr al-Mu'aser. (In Arabian)
- Zahili, Wahbah ibn Mostafa. (1422 AH). Al-Tafsir al-Wasit. Damascus: Dar al-Fikr. (In Arabian)